

# محیط زیست و مهربانی با حیوانات از دیدگاه علامه سید جعفر مرتضی عاملی

۲۵-۴۷

سیدعلی حسینی

## Environment and Kindness to Animals from Allameh Sayyid Ja'far Morteza Āmeli's Point of View

By: Ali Hosseini

**Abstract:** In the forthcoming article, the author examines Ja'far Morteza Āmeli's views on the environment and nature while emphasizing on the animals' rights and being kind to them. To this end, he first explores Allameh's general view on the urban environment, and then explores the issue of animals' rights and kindness with them and expresses Ja'far Morteza Āmeli's views on this subject through his other works such as *al-Sahih men Sira al-Nabi al-A'zam*. Finally, the author states some general features of the animals, such as their morality, wisdom and worshipping from Ja'far Morteza's point of view, and presents his reflections on the Prophet and the infallible Imams' hadiths about kindness to animals in the form of 113 points.

**Key words:** Ja'far Morteza Āmeli, kindness to animals, environment, animals' rights, nature, Islamic teachings, urban environment.

البيئة والرفق بالحيوانات من منظار العلامة السيد جعفر مرتضى العاملي

الخلاصة: يبحث الكاتب في هذا المقال عن رأي السيد جعفر مرتضى العاملي حول البيئة والطبيعة مع التركيز على حقوق الحيوانات والرفق بها. وفي سياق هذا الهدف يبدأ الكاتب باستعراض النظرة العامة للعلامة حول البيئة الحضريّة، لينتقل من خلال ذلك إلى موضوع حقوق الحيوانات والرفق بها وما يراه السيد جعفر مرتضى العاملي حول هذا الموضوع كما ذكره في آثاره التي منها الصحيح من سيرة النبي الأعظم. وفي الختام يذكر الكاتب 113 نقطة تتضمن ملاحظات عامّة عن موضوع الحيوانات من قبيل أخلاقها وشعورها وعبادتها كما يراها جعفر مرتضى، إضافة إلى تأملاته في الروايات الواردة عن النبي والأئمة المعصومين عليهم السلام حول الرفق بالحيوانات. وفي السطور الأخيرة للمقال ملاحظات مختصرة حول كتاب حقوق الحيوانات للسيد جعفر مرتضى العاملي. المفردات الأساسية: جعفر مرتضى العاملي، الرفق بالحيوانات، البيئة، حقوق الحيوانات، الطبيعة، التعاليم الإسلاميّة، البيئة الحضريّة.

**چکیده:** نویسنده در نوشتار پیش رو، دیدگاه جعفر مرتضی عاملی را درباره محیط زیست و طبیعت با تأکید بر حقوق حیوانات و مهربانی با آنها، مورد مذاقه قرار داده است. وی در راستای این هدف، نخست، نگاه کلان علامه به محیط زیست شهری را مطرح و در ادامه، موضوع حقوق حیوانات و مهربانی با آنان را واکاوی کرده و به بیان دیدگاه‌های جعفر مرتضی عاملی پیرامون این موضوع با استمداد از دیگر آثارش از قبیل الصحيح من سیره النبي الاعظم اقدام نموده است. در نهایت نویسنده با ذکر کلیاتی در خصوص حیوانات از قبیل اخلاق، شعور و عبادت حیوانات از نقطه نظر جعفر مرتضی، تأملات وی را در روایات رسیده از پیامبر و ائمه معصومین درباره مهربانی با حیوانات در قالب ۱۱۳ نکته، متذکر می‌شود. در خاتمه نیز، چند نکته فشرده درباره کتاب حقوق الحيوانات جعفر مرتضی مطرح می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** جعفر مرتضی عاملی، مهربانی با حیوانات، محیط زیست، حقوق حیوانات، طبیعت، آموزه‌های اسلامی، محیط زیست شهری.

# ۶۶

تخریب طبیعت و محیط زیست از بزرگ‌ترین چالش‌های انسان معاصر در روزگار ما است. پیشرفت حیرت‌آور صنعت و تکنولوژی، فاصله‌گرفتن از اخلاق و معنویت، حرص و ولع فزاینده و مهارگسیخته به اندوختن اموال، افزون‌شدن جمعیت کره زمین، جنگ‌های خانمان‌سوز، اقدام‌ها و طرح‌های گروهی از دولت‌ها برای تغییر طبیعت از قبیل تغییر مسیر رودخانه‌های بزرگ و استفاده بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی و دیگر منابع کره زمین و اعمالی از این دست روند تخریب محیط زیست را در کره زمین به اندازه‌ای شتابان کرده که آن را به یکی از بزرگ‌ترین معضلات و چالش‌های امروز و آینده مبدل ساخته است. گسترش بیابان‌ها، قطع و نابودی جنگل‌ها، نابودی گونه‌های گیاهی و جانوری، مشکلات محیط زیست شهری و آلودگی هوا و آب‌ها زمان از جلوه‌های این بحران است.

همه دانشمندان حوزه محیط زیست، منابع طبیعی، کشاورزی و بسیاری از دیگر دانشمندان که در این زمینه دستی برآتش دارند و حتی بسیاری از مردم عادی از وضع موجود و افق‌های گشوده به محیط زیست نسل‌های آینده بسیار نگران‌اند و همگی یکدل و یک‌صدا براین باورند که باید به پا خاست و با قیامی جهانی و یکپارچه و جهادی خستگی‌ناپذیر و تلاشی گسترده برای ترمیم، حفظ، احیا و توسعه محیط زیست، آن را به اوضاع و احوال قابل قبول بازگرداند. کارشناسان این حوزه معتقدند که اقدام‌های فرهنگی دینی و مذهبی تأثیر مهم و بسزایی در این باره دارد. از این‌رو مطالعه انظار دانشمندان بزرگ در این باره و تبلیغ آن سهمی بسزا در رسیدن به هدف یادشده خواهد داشت.

مطالعه تاریخ عالمان و فقیهان شیعه نشان می‌دهد که بسیاری از آنان همواره زمان آشنا و آگاه به معضلات و راه‌حل‌های آن در زمان خود بوده و به قول معروف «فرزند زمان خویشتن» بوده‌اند.

علامه سید جعفر مرتضی عاملی، محقق و نویسنده جلیل‌القدر معاصر، در زمره این عالمان و از وارثان سلف صالح خویش است که به حق راه آنان را پیموده است. در این مقاله انظار ایشان را درباره محیط زیست و طبیعت با تأکید بر حقوق حیوانات و مهربانی به آنها پی می‌گیریم.

## آرزوی علامه

علامه سید مرتضی آرزو داشت زمانی به آموزه‌های اسلامی درباره حقوق حیوانات و مهربانی با آنها عمل شود و فقه و اخلاق در برخورد انسان با حیوانات مبنا و ملاک عمل قرار گیرد.<sup>۱</sup> وی در پایان مقدمه کوتاه کتاب حقوق حیوانات در اسلام نوشته است:

۱. حقوق الحيوانات فی الاسلام، ص ۶.

دوست دارم گروهی از روایات و آیاتی را که درباره مهربانی با حیوانات است فراروی خوانندگان نهم بدان امید و شاید، شاید و بدان امید که دسته‌ای از آنان که در این حوزه (محیط زیست) دامن همت به کمر بسته‌اند، دست‌کم بخشی از آنها را به مرحله اجرا و عمل رسانند ...<sup>۲</sup>

بدین سان و به دلیل مطالب دیگری که در این باره آورده است که شماری از آن‌ها در ادامه این مقاله خواهد آمد، می‌توان آن مدقق متفکر را در زمره دوستان طبیعت و محیط زیست قرار داد.

### نگاه کلان علامه به محیط زیست

#### محیط زیست شهری

تأمل در آثار علامه (مطالعی که به طور پراکنده در آثار ایشان آمده)، نشانگر دیدگاه کلان و دارای چارچوب ایشان درباره طبیعت و محیط زیست است که در این بخش از این مقاله به طور فشرده در ذیل عناوین زیر آورده می‌شود:

#### محیط زیست شهری

علامه در این باره نکته‌های بسیار مهمی آورده است. ایشان در کتاب تخطيط المدن الاسلامی در حدود ۲۲۰ صفحه به شرح از بایدها و نبایدهای شهر اسلامی پرداخته و درباره مسائل مرتبط به محیط زیست آن بحث کرده و در آنجا درباره ۲۲ موضوع آیات و روایاتی آورده و تحلیل‌های مناسب و راهگشایی ارائه داده است که گروهی از این مطالب در زمان ما بسیار اهمیت دارد.

**اول:** حمایت دائمی از درختان موجود در شهر؛ در روایتی از رسول خدا نقل شده است:

انَّ النَّبِيَّ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حَرَّمَ شَجَرَ الْمَدِينَةِ بِرَيْدٍ أَوْ مِنْ بَرِيدٍ مِنْ كُلِّ نَاحِيَةٍ؛<sup>۳</sup>

پیامبر خدا (صلوات الله علیه و آله) [طی حکمی] قطع درختان مدینه را چهار فرسخ در چهار فرسخ (حدود بیست و دو کیلومتر) در همه اطراف مدینه ممنوع کرد.<sup>۴</sup>

در تحلیل این روایت می‌نویسد:

این دستور حضرت بسیار مهم است؛ چه آن‌که مدینه در آن روزگار بسیار کوچک بود، خانه‌ها در کنار هم و به هم چسبیده و شمار ساکنان آن از چند هزار بیشتر نبود تا آنجا که می‌توان گفت تعداد مردانی که بیشتر از ۱۵ سال داشتند به هزار و پانصد نفر نمی‌رسیدند. دلیل این ادعا آن است که وقتی بلال اذان می‌گفت همه مردم مدینه صدایش را می‌شنیدند و برای خواندن نماز به مسجد می‌آمدند و مسجد گنجایش همه آنها را داشت؛ مسجدی که صدمتر در صدمتر همه مساحت آن بود. بدین سان وقتی مساحتی که حاصل ضرب ۲۲ در ۲۲ کیلومتر است (۴۴۰ کیلومتر مربع) با درختان فراوانش مدینه را احاطه کرده است، نتیجه‌ای جز لطافت و پاکیزگی هوا از سویی و حذف انواع پرندگان از سوی دیگر نداشت؛ پرندگانی که پیامبر خدا (صلوات الله علیه و آله) اصرار فراوان بر ممنوع بودن شکار آنها اگر نسلشان در خطر انقراض بود، داشت.<sup>۵</sup>

#### دوم: شهر پاکیزه

در قرآن کریم در سوره سبأ شهر پاکیزه قرآنی «البلد الطیب» را دارای سه ویژگی می‌داند: ۱. شهری که اطراف آن را درختان فرا گرفته و در احاطه پوشش سبز و فاخر گیاهان و درختان باشد. ۲. شهری که امنیت بر آن حاکم باشد. ۳.

۲. همان.

۳. تخطيط المدن في الاسلام، ص ۸۲.

۴. همان، ص ۸۱-۸۲.

۵. رک به: گیاهان و زندگی در اندیشه دینی، ص ۹۷-۱۰۹.

شهر دارای معنویت و مشمول غفران الهی.

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ  
وَرَبُّ غَفُورٌ<sup>۶</sup>

به راستی برای مردم سبا در محل سکونتشان نشانه‌ای [از لطف و قدرت خدا] بود دو مجموعه از پوشش گیاهی سبزا راست و چپ [شهر را احاطه کرده بود] از روزی پروردگارتان بخورید و نعمت او را شکر گذارید شهری است خوش و پاکیزه و پروردگاری بسیار آمرزنده.

و نیز خدای متعال می‌فرماید:

وَمَسَاكِينٍ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ<sup>۷</sup>.

این آیه مسکن‌های بهشتی را نیز با عنوان «طیب» توصیف کرده است و می‌فرماید:

وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتُهُ بِأَذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَآ يَخْرِجُ إِلَّا تَكْدًا<sup>۸</sup>.

شهر پاکیزه گیاهانش به اذن پروردگارش پر پشت و خرم از او می‌روید و زمین بلید و شوره‌زار جز گیاهانی تک‌تک و کم پشت نمی‌رویانند.<sup>۹</sup>

از آیه شریف اولاً مهم بودن شهر خوش و پاکیزه (البلد الطیب) برای سکونت و ثانیاً ضرورت وجود خاک حاصل‌خیز برای رویش گیاهان متراکم و ثالثاً به گفته علامه اهمیت سلامت و صفای محیط زیست و پاکیزه بودن شهر استفاده می‌شود و می‌توان هر سه مطلب را در روایت نقل شده از امام صادق (علیه السلام) مشاهده کرد:

لَا تَطْيِيبُ السُّكْنَى إِلَّا بِثَلَاثِ الْهَوَاءِ الطَّيِّبِ وَالْمَاءِ الْعَذْبِ وَالْأَرْضِ الْحَوَازَةِ؛

محل سکونت و زندگی انسان جز در سه صورت خوش و پاکیزه نخواهد بود. هوای پاک، آب فراوان و گوارا و زمین حاصل‌خیز.<sup>۱۰</sup>

در روایتی مشابه، روایت یادشده از امام هادی (علیه السلام) این گونه نقل شده است:

ای ابوموسی مرا به زور به سامرا آوردند و از سامرا نمی‌روم مگر آنکه مرا با زور بیرون برند. عرض کردم: چرا چنین است ای آقای من؟ فرمود: به خاطر پاک‌ی و خوشی هوایش، گوارایی آبش و کمی دردها (ویروس‌هایش).<sup>۱۱</sup>

در این باره علامه بر این باور است که رابطه‌ای متقابل میان وجود درختان فراوان و پاک‌ی و لطافت هوا وجود دارد. زمینی که هوا، خاک و آبش خبیث است، از آن جز گیاهانی اندک نمی‌روید و زمینی که هوایش پاک، آبش گوارا و شیرین و خاکش حاصل‌خیز است، انواع گیاهان را می‌رویانند و در پرترویش گیاهان هوا لطیف‌تر، خوش‌تر و پاکیزه‌تر می‌شود و معنای «بلد طیب قرآنی» این است. از این رو در شهرسازی در آغاز می‌باید آب، هوا و خاک مکان تأسیس شهر بررسی شود.

سوم آنکه راه‌ها و میادین شهر باید همواره پاکیزه و تمیز شود.

۶. اعراف: ۵۸.

۷. صف: ۱۲.

۸. سبا: ۱۵ و رک به: آیه ۸.

۹. از ترجمه شیخ محمد یاسری استفاده شده است.

۱۰. تحطیط المدن الاسلامیه، ص ۸۳: تحف العقول، ص ۲۳۴، تصحیح علی‌اکبر غفاری.

۱۱. بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۳۰.

چهارم آنکه باید از آلوده کردن آب‌ها و زیر و اطراف درختان به شدت پرهیز شود.

پنجم آنکه مردم باید همواره جلوی درب منازل و مغازه‌های خود را پاکیزه و تمیز کنند.

ششم آنکه قبرستان‌ها نیز باید نظیف باشد.

هفتم آنکه باید مکان‌هایی برای بول، غائط و پسماندها در نظر گرفته شود.

علامه پس از نقل روایات می‌نویسد:

باید اقدام‌هایی انجام گیرد که محیط زیست به هیچ‌وجه آلوده نشود.

هشتم آنکه هرگونه آلودگی صوتی زیان‌های ویرانگری برای سلامت انسان دارد و باید به جای آلودگی صوتی آرامش بر سراسر شهر سایه افکند.

علامه روایات متعدد و متنوعی را در ادامه بحث آورده است که شیفتگان این دسته از مباحث به ویژه طرفداران محیط زیست به اثر ارزشمند ایشان مراجعه کنند.<sup>۱۲</sup>

### گیاهان، جنگل‌ها و مراتع

گیاهان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها و عناصر محیط زیست است. زمین بی‌گیاه به قبرستانی می‌ماند که هیچ خیر و برکتی در آن نیست و به تعبیر بسیار زیبا و لطیف قرآن افسرده، پژمرده و مرده است و زمینی که درختان، گل‌ها و گیاهان آن را فرا گرفته‌اند زنده و نشاط‌آفرین است و انواع برکت‌ها از آن برمی‌خیزد.<sup>۱۳</sup>

افزون بر آنچه در ضرورت وجود گیاهان و درختان فراوان در شهر اسلامی آوردیم، علامه مطالب فراوان، دقیق، متنوع و متعددی در آثار مختلف خود در این باره دارد. در الصحیح من سیره علی (علیه السلام) به درختکاری‌های پیامبر همراه امیرالمؤمنین (علیهما السلام) و به اهمیت درختکاری اشاره کرده است:<sup>۱۴</sup>

بر اساس روایتی از امام کاظم (علیه السلام) پیامبر خدا، امیرالمؤمنین و همه اجداد ایشان (علیهم السلام) درخت‌کاری می‌کرده‌اند.<sup>۱۵</sup>

و بر پایه روایتی از امام باقر (علیه السلام) مردی امیرالمؤمنین را ملاقات کرد و آن حضرت با خود کیسه‌ای پراز هسته خرما داشت. آن مرد پرسید: ای امیرمؤمنان، در این کیسه چیست؟ حضرت فرمود: صد هزار درخت خرما، انشاء الله. حضرت همه هسته‌ها را کاشت. همه آنها روید و به عمل آمد.<sup>۱۶</sup>

این روایت نشان می‌دهد که آن حضرت شمار هسته‌های خرما را می‌دانست و بادقت و براساس برنامه آنها را طوری کاشت که همه آنها روید و این یکی از موارد درختکاری ایشان بوده است. آن حضرت در ینبع در پرتوچاه‌ها و چشمه‌های فراوانی که پدید آورد، نخلستان‌های متعدد و متنوعی احداث کرد و درختان بسیاری در آنها کاشت.<sup>۱۷</sup> بر پایه گزارش ابن شبهه بخشی از ینبع را رسول خدا به علی (علیهما السلام) داد و بخش دیگرش را خود ایشان خرید و در آن چشمه‌های متعددی ایجاد کرد<sup>۱۸</sup> و در پی آن نخلستان و باغ‌های پرشماری احداث کرد.<sup>۱۹</sup> این باغ‌ها،

۱۲. تحطیط المدن فی الاسلام، ص ۸۲-۱۰۲.

۱۳. «... فَأَخْبَا بِهَ الْأَرْضِ بَعْدَ مَوْتِهَا...» سوره نحل، آیه ۶۵، سوره روم، آیه ۲۴ و... .

۱۴. الصحیح من سیره امیرالمؤمنین، ج ۳، ص ۳۱۲-۱۳.

۱۵. کافی، ج ۵، ص ۷۴.

۱۶. همان، ص ۷۵.

۱۷. رک به: طبیعت در سیره علوی، ص ۱۹۲؛ حجاز در صدر اسلام، ص ۲۲۹.

۱۸. تاریخ المدینه المنوره، ج ۱، ص ۲۲۱-۲۲۵.

۱۹. طبیعت در سیره علوی، ص ۱۹۴.

نخلستان‌ها و مزرعه‌های امیرالمؤمنین (علیه السلام) به ویژه در نینبع بود که الگو برای کشاورزی، درختکاری، احداث نخلستان‌ها، باغ‌ها و مزرعه‌ها شد و زمینه خیز بزرگ و حرکت شتابان مسلمانان را به سوی تمدنی فراموش‌ناشدنی در حوزه توسعه کشاورزی، منابع طبیعی و محیط زیست فراهم آورد.<sup>۲۰</sup>

از دیگر موضوعات بسیار مهم در این باره قطع درختان و تخریب جنگل‌ها و مراتع است که در روزگار ما اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا از سویی درختان و جنگل‌ها سودمندی‌های فراوانی دارد و از طرفی انسان‌های روزگار ما به جان جنگل‌ها افتاده، بی‌رحمانه و ظالمانه روند تخریب آنها را شتابان و شتابان‌تر کرده‌اند.

جنگل‌ها سهم بسزایی در پاکیزه کردن هوا و از بین بردن گازهای سمی موجود در هوا دارند، محیط زندگی را زیبا، آب‌های سطحی را کنترل، آب‌های زیرزمینی را تغذیه، خاک را حفظ، سرو صدا را کم، آب و هوا را معتدل و سیل، باد و طوفان را کند می‌کنند و فواید اقتصادی مختلفی دارند.<sup>۲۱</sup> همان طور که اشاره شد، آمار و ارقام تخریب جنگل‌ها و مراتع به عنوان مظهر سوسبزی و گیاهان کره زمین، بسی هشداردهنده است تا آنجا که سازمان‌های جهانی بهره‌برداری‌های موجود را فاجعه زیست‌محیطی قلمداد می‌کنند.<sup>۲۲</sup>

علامه جعفر مرتضی در الصحيح من سیرة النبی در این باره بحث کرده است. ایشان به مناسبت بحث محاصره بنی‌نضیر و قطع درختان خرمای عجوه یهودیان به شرح درباره حکم قطع درختان مطالب سودمند، متعدد و متنوعی آورده است. فشرده آن مطالب بدیع آن است که بر طبق فتوای گروهی از فقهای شیعه قطع درختان حتی در جنگ حرام است و بر اساس فتوای گروهی دیگر قطع درختان در جنگ کراهت دارد.<sup>۲۳</sup> نیز پیامبر خدا (صلوات الله علیه و آله) هنگامی که رزمندگان را برای نبرد با دشمن گسیل می‌داشت، به آنان توصیه‌هایی می‌کرد و یکی از آنها این بود که «لَا تَقْطَعُوا شَجَرًا إِلَّا أَنْ تُضْطَرُّوا إِلَيْهَا» و نقل شده است:

و من قتل صغيراً أو كبيراً أو احرق نخلاً أو قطع شجرة مثمرة أو ذبح شاة ...

کسی که کودکی را یا پیرمردی را بکشد، یا درخت خرمایی را بسوزاند یا درختی را قطع کند یا گوسفندی را بکشد ... به عنوان مجاهد باز نگشته است.<sup>۲۴</sup>

بدین سان جواز قطع درختان حتی در جنگ که بسیاری از حرام‌ها را در آن حلال می‌شود؛ حتی کشتن انسان‌ها مورد اشکال است. پس از بررسی‌ها و تحقیق نسبتاً مفصلی ایشان نتیجه می‌گیرد که تنها در صورت ضرورت و مصلحت ملزومه‌ای حتی در جنگ قطع درختان آن هم به اندازه ضرورت و مصلحت ملزومه جایز است. پیش‌تر اشاره کردیم که رسول خدا (صلوات الله علیه و آله) (برید فی برید من کل جهة) چهار فرسخ در چهار فرسخ قطع درختان اطراف مدینه را ممنوع کرده بود.<sup>۲۵</sup>

## اقطاع

رسول خدا (صلوات الله علیه و آله) در روزگار و مکانی مبعوث شد که جهالت بر همه گستره جامعه سیطره افکنده بود. عرب‌ها درختان را شرآفرین و پلید می‌دانستند و گروهی از آنان برای ایمن شدن از شرارت درختان برخی از آنها را می‌پرستیدند. در اندیشه آنان به همان سان که درختان شرور می‌نمود، خیر و برکت نیز از آن‌ها برمی‌خاست، در واقع درختان دو بعد داشتند گاه منشأ شرب بودند و نکبت و گاه کانون خیر و برکت و در هر دو صورت مقدس و سزاوار

۲۰. رک به: طبیعت در سیره علوی، ص ۱۷۰-۲۶۳.

۲۱. کیمیای سبز، ص ۱۲-۱۷ و ص ۱۴۹-۱۶۳.

۲۲. جنگلهای ایران، ص ۱.

۲۳. الصحيح من سیرة النبی الاعظم، ج ۸، ص ۱۱۸.

۲۴. همان، ص ۱۱۵.

۲۵. همان، ص ۱۱۲-۱۲۲.

پرستش و به همین دلیل بود که آنان از درختان از قبیل انجیر و امثال آن به شدت اجتناب می‌ورزیدند.<sup>۲۶</sup>

به لحاظ اجتماعی و سیاسی نظام قبیله‌ای بر زندگی آنان حاکم بود. قبیله‌های رقیب هر از چندی با هم می‌جنگیدند و در جنگ‌ها، مزرعه‌ها و نخل‌ها را آتش می‌زدند یا نخلستان‌ها را با غرق در آب تخریب می‌کردند. چاه‌ها و چشمه‌هایی که بقای نخل‌ها، باغ‌ها و مزرعه‌ها در گرو آنها بود، پرمی‌کردند و بدین سان زمینه‌های سرسبزی را نابود و محیط زیست را ویران می‌کردند. در آن شرایط که فضیلت‌ها رخت بر بسته و ظلم، ضلالت و جهالت برگستره جامعه اعراب سایه سنگین خود را انداخته بود،<sup>۲۷</sup> پیامبر خدا (صلوات الله علیه و آله) در پرتو تعالیم الهی و در پی سرسبزی، خرمی و شکوفایی سرزمین اسلامی برآمد. آن حضرت با استفاده از ابزار مختلفی در این حوزه، توانست کشاورزی و سرسبزی را رونق ببخشد و گام‌های بزرگی در این باره بردارد که یکی از آن اقدامات «اقطاع» بود. اقطاع به معنای واگذاری مقداری معین از زمین و آب، یا زمین به تنهایی یا آب به تنهایی (بخشی از منابع طبیعی) به شخص یا اشخاص یا قبیله‌ای معین است.<sup>۲۸</sup> رسول خدا (صلوات الله علیه و آله) زمین‌ها، آب‌ها و دره‌های مختلفی را گاه با مساحت بسیار گسترده به شخص، اشخاص یا قبیله‌هایی واگذار کرد و احیاشدن آنها نتایج بسیاری شیرینی داشت. مرحوم آیت الله احمدی میانجی خوش بینی مردم به اسلام و جلب رضایت آنان، فراهم آمدن زمینه دستیابی به رزق حلال، فقرستیزی، آبادانی و رونق کشاورزی، محیط زیست و دمیدن روح نشاط و امید در مردم را از سودمندی‌های این اقطاع‌ها می‌داند.<sup>۲۹</sup> علامه سیدجعفر مرتضی ضمن یادکرد گروهی از اقطاع‌های پیامبر خدا (صلوات الله علیه و آله) از قبیل اقطاع به بنی تمیم و بنی عقیل به فلسفه این اقطاع‌ها اشاره کرده و ضمن نقد بخشی از انظار احمدی میانجی، مهم‌ترین هدف رسول خدا (صلوات الله علیه و آله) را عمران سرزمین اسلامی و سبزو خرم کردن آن می‌داند.

رسول خدا (صلوات الله علیه و آله) در پرتو آموزه‌های وحیانی به درستی تشخیص داد که واگذاری منابع طبیعی به بخش خصوصی و نظارت بر احیا و تضمین حق مالکانه‌اش برای احیاگران، از بهترین اسباب توسعه کشاورزی و حفظ محیط زیست، بلکه رشد و شکوفایی آن خواهد بود. از این رو دست به اقطاع‌های گسترده‌ای زد که در جای خود باید بررسی شود. پس از رسول خدا (صلوات الله علیه و آله) اقطاع‌ها در مواردی به کج‌راهه و به تعبیری بیراهه رفت و در زمان خلافت امیرالمؤمنین دوباره با همان مبانی دوره رسول خدا (صلوات الله علیه) اجرا شد.<sup>۳۰</sup>

تا اینجا مطالب مفید و پراکنده‌ای را که در لابه‌لای سخنان علامه بدان‌ها اشاره یا پرداخته شده بود آوردیم. در یک نگاه کلان به انظار علامه درباره محیط زیست، می‌توان گفت ایشان نکته‌های مؤثر و مهمی درباره محیط زیست دارد که به طور پراکنده و به مناسبت در آثارش آورده است، اما درباره دو موضوع به صورت متمرکز پژوهیده است: اول: محیط زیست شهری که فشرده‌ای از آن را پیش‌تر آوردیم. دوم: مهربانی به حیوانات که ادامه این مقاله به طور عمده در صدد بیان این مطلب است.

### حقوق حیوانات و مهربانی با آنها

درباره حقوق حیوانات مطالب متعدد، متنوع و مهمی در تعالیم اسلامی وجود دارد. مطالبی درباره جانورشناسی، دام‌پزشکی (بیطاری)، جایگاه حیوانات در زندگی انسان و در تأمین نیازهای او. حیوانات آیت خدا در هستی، دانش و شعور حیوانات، حمایت از گونه‌های حیوانی، صید و ذبح، احکام پرندگان و آبزیان و مطالبی از این دست که فراوان است و باید در جای خود بررسی شود.

۲۶. رک: گیاهان و زندگی در اندیشه دینی، ص ۱۷-۱۸.

۲۷. همان.

۲۸. الموسوعة الفقهية المسيرة، ج ۴، ص ۳۸۹.

۲۹. مکاتیب الرسول، ج ۳، ص ۵۸۳؛ رک: طبیعت در سیره نبوی، ص ۱۳۲-۱۴۲.

۳۰. الصحيح من سيرة امير المؤمنين، ج ۱۶، ص ۱۳۹-۱۴۱.

درباره موضوع‌های یادشده به طور پراکنده و ناقص مقاله‌ها، کتاب‌ها پایان‌نامه‌ها و رساله‌هایی نوشته شده است که در خور تحسین است. از میان معاصران، مرحوم احمدی میانجی مقاله‌های مختلف و متعددی در فصل‌نامه فرهنگ جهاد، در بخش «طبیعت و زندگی» دارد. در این میان مرحوم علامه سیدجعفر مرتضی اثری با عنوان حقوق الحيوان فی الاسلام در سال ۱۴۲۵ق (۲۰۰۴م) نوشته که در سال ۱۴۳۲ق به چاپ رسیده است. این اثر اگر چه مانند آثار یادشده ناقص است، به گونه‌ای بدیع به این موضوع پرداخته است. در ادامه این مقاله به دیدگاه‌های ایشان در این باره براساس این اثر، البته با استمداد از دیگر آثارش از قبیل الصحيح من سيرة النبي الاعظم می‌پردازیم.

نخست علامه به تفصیل به کلیاتی درباره حیوانات می‌پردازد:

### اخلاق حیوانات

حیوانات دارای اخلاق‌اند و خُلُق‌های آنها مانند خُلُق‌هایشان متفاوت است. در این باره روایات فراوانی از معصومان (علیهم السلام) به ما رسیده که به عنوان نمونه امام (رضا علیه السلام) درباره خروس می‌فرماید: خروس سفید پنج ویژگی از ویژگی‌های پیامبران را دارد: آگاهی از اوقات نمازها، غیرت، سخاوت، شجاعت و فراوان آمیزش کردن.<sup>۳۱</sup>

از روایاتی از این دست استفاده می‌شود که آدمیان در روزگار ما با همه کوشش‌هایی که درباره شناخت حیوانات داشته‌اند، تنها از بعد مادی آنها، آن هم تا حدودی، توانسته‌اند آگاه شوند. در علوم جانورشناسی روزگار ما حیوانات همانند انسان در تنگنای حصار مادیت قرار داده شده و عالمان مغرب‌زمین با وجود کوشش‌های سودمندشان نتوانسته‌اند از آن فراتر روند و این موضوعی است که در روزگار ما برای بسیاری از شیفتگان محیط زیست که در کشورهای مختلف زندگی می‌کنند اهمیت بسیاری دارد. علامه جعفر مرتضی اشاره می‌کند که اخلاق حیوانات گاه شیطانی و ردیلت‌آمیز و گاه رحمانی است و فضیلت‌آمیز. برای نوع اول شتر عایشه را در جنگ جمل مثال می‌زند که امیرمؤمنان دستور داد آن را پی کنند و سلمان از اصحاب ممتاز رسول خدا (صلوات الله علیه و آله) پیش از جنگ جمل آن را شیطان نامید.<sup>۳۲</sup> برای نوع دوم، یعنی حیواناتی که اخلاق پسندیده دارند، اسب را یاد می‌کند؛ به ویژه آن دسته از اسبان و دیگر حیواناتی که در خدمت ائمه (علیهم السلام) بودند.<sup>۳۳</sup>

### شعور حیوانات

پیش‌تر اشاره شد که حیوانات اخلاق دارند. در این بخش علامه با استناد به آیات قرآن اثبات کرده است که افزون بر اخلاق، درک و شعور و ادراک با یکدیگر متفاوت‌اند؛ اگرچه در درجه‌ای از شعور با هم مشترک‌اند. در روایتی از سرور شهیدان حسین بن علی (علیهما السلام) در این باره چنین آمده است:

مَا بَهَمَتِ الْبَهَائِمُ فَلَمْ تُبْهَمَنَّ عَنْ أَرْبَعَةٍ مَعْرِفَتِهَا بِالرَّبِّ وَمَعْرِفَتِهَا بِالْمَوْتِ وَمَعْرِفَتِهَا بِالْأُنثَى مِنَ الذَّكَرِ وَمَعْرِفَتِهَا بِالْمَرْعَى عَنِ الْخَضْبِ؛<sup>۳۴</sup>

جانوران چهار چیز را می‌شناسند، خدای متعال، مرگ، نرو ماده، چراگاه سرسبز.

دلیل دوم وجود شعور در همه حیوانات آن است که آنها محسوس می‌شوند. در قرآن کریم آمده است:

وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ؛

آن‌گاه که حیوانات وحشی محسوس می‌شوند.<sup>۳۵</sup>

۳۱. حقوق حیوانات فی الاسلام، ص ۹.

۳۲. همان، ص ۹-۱۱.

۳۳. همان، ص ۱۲.

۳۴. همان، ص ۲۰، به نقل از کافی، ص ۵۳۹.

۳۵. همان، ص ۱۳. به نقل از کافی، ج ۶، ص ۵۲۹.

و نیز برپایه گروهی از روایات خدای متعال عدالت واقعی را در آن جهان میان آنان برگزار می‌کند و حیوانات مظلوم حق خود را از حیوانات ظالم می‌گیرند و آنها را قصاص می‌کنند و بدیهی است محشور شدن و قصاص کردن به حکم عقل تنها از گناهکاری که ادراک داشته باشد، صحیح است. صد البته نباید در این باره غلو کرد و باید دانست که شعور آنها از شعور آدمیان بسیار کمتر است؛ به همان سان که مجازات و قصاص آنها طوری دیگر است.<sup>۳۶</sup>

تا اینجا اثبات شد که اجمالاً همه حیوانات مرحله‌ای از شعور را دارند و این همان است که گروهی از فیلسوفان امامیه آن را ادراک حسی، جزئی و خیالی دانسته‌اند و بر این باورند که حیوانات این مرحله از ادراک را دارند، اما آیا علاوه بر آن کلیات را نیز درک می‌کنند و رفتارهای آنها ناشی از شعور و تفکر است؟ در این باره میان فیلسوفان امامیه اختلاف نظر است.<sup>۳۷</sup>

در اینجا از بررسی انظار ابن سینا،<sup>۳۸</sup> ملاصدرا<sup>۳۹</sup> و امام خمینی<sup>۴۰</sup> که در این باره اظهار نظر کرده‌اند صرف نظر می‌کنیم و تنها به این نکته اشاره می‌کنیم که برهان عقلی در اثبات یا نفی ادراک حیوان در مراحل بالاتر دچار اشکال است، اما باید گفت زندگی آمیخته با نظام شگفت‌انگیز و بسیار دقیق گروهی از حیوانات نشانگر آن است که اعمال آنها تنها غریزی نیست و از شعور متناسب با ذات و حقیقت خود که فراتر از ادراک جزئیات است برخوردارند و سخنان آن دسته از عالمان که منکر این حقیقت هستند از بی‌توجهی آنان به رمز و راز زندگی حیوانات نشأت گرفته است.

علامه سیدجعفر مرتضی به خوبی از این نکته آگاه و بر این باور بوده است که اولاً حیوانات در شعور و ادراک متفاوت‌اند، ثانیاً گروهی از آنان از مراتب بالای شعور و ادراک برخوردارند. برای به کرسی نشاندن این ادعا آیات سوره نمل را می‌آورد که می‌فرماید:

قَالَتْ نَمَلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطَمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ؛

ای مورچگان داخل لانه‌های خود شوید تا سلیمان و لشکریانش شما را پایمال نکنند در حالی که نمی‌فهمند.

و در ادامه آیات مرتبط به همداد را نقل می‌کند:

... فَمَكَتْ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطَّتْ بِمَا لَمْ تَحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَأٍ...

هدهد به سلیمان می‌گوید: «غیبت من بی دلیل نبود، از چیزی آگاه شده‌ام که شما از آن آگاه نیستی و از سبأ برای شما خبر مهمی آورده‌ام.

علامه به نکته بسیار مهمی در این باره اشاره کرده که آیات ۱۷ و ۲۰ تا ۳۱ سوره نمل که تنها بخشی از دو آیه را آوردیم، مطالب و نکته‌هایی مهم، دقیق و ظریف درباره حیوان‌شناسی دارد که نیازمند تألیف کتابی مستقل است، اما به طور خلاصه در اینجا فقط درباره هدهد به ۱۶ نکته اشاره می‌شود که از این آیات استفاده می‌شود:

۱. پرنده‌گان نیز مکلف‌اند.

۲. آنها گاه راست و گاه دروغ می‌گویند.

۳. گاه مطیع و گاه عاصی هستند.

۴. برای روی برتافتن از قوانین الهی کیفر می‌شوند.

۵. استدلال کرده و برهان می‌آورند.

۳۶. همان، ص ۱۴.

۳۷. شرح اشارات، ج ۳، ص ۳۲۲-۳۲۳؛ اسفار، ج ۸، ص ۱۵۸؛ تقریرات فلسفه امام خمینی، ج ۳، ص ۴۵۱.

۳۸. رک به: شرح اشارات، ج ۳، ص ۳۲۲-۳۲۳.

۳۹. رک به: اسفار، ج ۸، ص ۱۵۸.

۴۰. رک به: تقریرات فلسفه امام خمینی، ج ۳، ص ۴۵۱.

۶. از معلوم به مجهول پی می‌برند.
۷. انواع عبادت‌ها را می‌شناسند.
۸. تفاوت بین عبادت صحیح که سلیمان می‌کرد و عبادت فاسد که مردمان به آن مبتلا بودند را می‌شناسند.
۹. می‌توانند مملکت و ملک جدیدی را کشف کنند.
۱۰. تفاوت شاه و رعیت را می‌توانند بشناسند.
۱۱. نرو ماده را می‌شناسند.
۱۲. آنان علاوه بر شناخت نرو ماده و اینکه زنی پادشاه سبائیان است، درجه و عظمت او را نیز شناخته‌اند. هدهد می‌گوید که آن زن فرمانروای آنان است و کرسی دارد و کرسی او با عظمت است.
۱۳. هدهد خورشید را شناخته و فهمیده است که آنان خورشید پرستند.
۱۴. او گمراهی و ضلالت آنها را ریشه‌یابی کرده و دین آنها را باطل و عبادتشان را با استدلال فاسد می‌داند.
۱۵. او آسمان و زمین را می‌شناسد.
۱۶. او می‌داند که خداست که آنچه را در آسمان و زمین پنهان است خارج کرده و اوست که از آنچه در دل‌ها پنهان می‌کنید آگاه است.<sup>۴۱</sup>

آنان که در روزگار ما در این حوزه‌ها دستی برآتش دارند، ارزش این معارف گرانقدر قرآن را می‌دانند. قرآن در صدد آن است که بشر را متنبه کند که نباید همه حیوانات را غریزی و فاقد شعور و غیرمدرک کلیات دانست، بلکه گروهی از آنان مانند هدهد و مورچه قدرت تحلیل، فهم و ادراک مسائل را به طور دقیق دارند و نباید آنها را در حصار مادیات و تنگنای غریزه و ادراک جزئیات زندانی کرد. درباره مورچه علامه تنها به سه نکته اشاره می‌کند: اولاً مورچه فهمید که لشکری وارد منطقه آنها شده است. ثانیاً فرمانده آن لشکر، یعنی سلیمان را شناخت. ثالثاً فهمید که سلیمان و لشکریانش ممکن است از سرجهالت آنها را پامال کنند و بلافاصله مناسب‌ترین دستورها و توصیه‌ها را به دیگر مورچگان کرد؛ به گونه‌ای که موجب لبخند سلیمان شد.<sup>۴۲</sup> مناسب می‌نماید اشاره کنیم در نهج البلاغه امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره مورچه، خفاش،<sup>۴۳</sup> طاووس<sup>۴۴</sup> و ملخ<sup>۴۵</sup> اگر نگوییم در حد اعجاز علمی توضیحاتی فوق دقیق داده‌اند که دست کم می‌توان آنها را از شگفتی‌های علمی نهج البلاغه دانست.<sup>۴۶</sup>

### عبادت حیوانات

از گروهی از آیات و روایات استفاده می‌شود که حیوانات خدا را عبادت و از قوانینش اطاعت می‌کنند:

وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ خَلِيماً غَفُوراً؛<sup>۴۷</sup>

هیچ چیزی نیست مگر آنکه خدا را با ستایششان تسبیح می‌کنند، لیکن شما تسبیح آنها را درک نمی‌کنید.

بر پایه این روایت همه هستی خدای را تسبیح می‌کنند و فریاد تسبیحشان غلغله‌ای در هستی پدید آورده که خواب را از گوش عارفان می‌رباید، اما انسان‌ها به دلیل پرده‌هایی که از انواع گناهان بر چشم و گوش دلشان انداخته‌اند، نه صدای آنان را می‌شنوند و نه عبادت آنان را می‌بینند و نه حقیقتشان را درک می‌کنند، «صُمُّ بَكْمٌ عُمِّي فَهَمٌ لَا

۴۱. حقوق الحيوانات فی الاسلام، ص ۱۶.

۴۲. همان، ص ۱۷؛ درباره زندگی مورچه رک به: خطبه معجزه‌آسای امیرالمؤمنین در نهج البلاغه، خطبه ۱۸۵.

۴۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۵؛ شرح نهج البلاغه ابن میثم، ج ۳، ص ۲۵۷.

۴۴. همان، خطبه ۱۶۵.

۴۵. همان، ص ۱۸۵.

۴۶. در نهج البلاغه نام بیش از بیست حیوان آورده شده و درباره چهار مورد حضرت تا حدودی به توضیحاتی داده‌اند که در کتاب حیوانات در نهج البلاغه آورده‌ام.

۴۷. اسراء: ۴۴.

يَعْتَلُونَ»<sup>۴۸</sup> از این رو افزون بر ظلم سنگینی که بشر مدرن در روزگار ما بر انواع جانوران کرده و با تخریب منابع طبیعی به ویژه جنگل‌ها هزاران گونه از آنها را منقرض کرده و با آلوده کردن هوا، آب و خاک عرصه زندگی را بر آنها سخت و دشوار ساخته، با ضلالت و جهالت درباره آنها به دلیل مراجعه نکردن به گفته‌ها و علوم اهل بیت (علیهم السلام) نوعی دیگر از ظلم را بر آنها روا داشته که اولی را «ظلم جلی» و دومی را «ظلم خفی» می‌نامیم.

### چوپانی پیامبر خدا (صلوات الله علیه و آله)

بر پایه گزارش‌های تاریخی پیامبر خدا (صلوات الله علیه و آله) در مکه مکرمه مدتی چوپانی می‌کرد. آن حضرت در این مدت با گوسفندان بسیار مهربان بود و مهربانی او در این باره شهره است.<sup>۴۹</sup>

### قانون مهربانی با حیوانات

علامه سیدجعفر مرتضی درباره مهربانی با حیوانات معتقد است روایات رسیده از پیامبر خدا و ائمه معصومین (علیهم السلام) درباره مهربانی با حیوانات می‌تواند به عنوان نمونه‌ای از قانون برخورد با حیوانات باشد. سخنان و روایاتی که بیش از هزار سال پیش از آنان (علیهم السلام) صادر شده، اما به گونه‌ای است که امروز در همه مراکز بین‌المللی مرتبط به حقوق حیوانات و برخورد اخلاقی با آنها قابل ارائه و مایه افتخار باشد؛ روایاتی که رمز و راز موفقیتش در آن است که گویندگانش به درستی و به طور جامع جانوران، انسان، طبیعت و آینده را شناخته و بر پایه این شناخت عمیق، دقیق و جامع این سخنان را گفته‌اند. سیدجعفر مرتضی از تأمل در این روایت ۱۰۸ نکته درباره برخورد با حیوانات و مهربانی با آنها آورده است:

۱. باید با حیوانات مهربانی شود.
۲. در حالی که باری بردوش آنهاست نباید آنها را ایستاده نگه داشت.
۳. به آنها با لجام آب نداد.
۴. نباید بیش از اندازه بار بردوش حیوان گذاشته شود.
۵. نباید او را ایستاده نگاه داشت در حالی که پالانش پشت اوست. روایت شده است که رسول خدا (صلوات الله علیه و آله) شتری را دید که پالانش روی اوست و او را بسته‌اند. حضرت فرمود: «باید صاحب آن در آینده (دنیای دیگر) آماده خصومت با آن شتر باشد».<sup>۵۰</sup>
۶. نباید روی پشت او ایستاد.
۷. نباید حیوان را بیش از اندازه و بیش از مقدار طاقتش دواند.
۸. وقتی کسی با حیوان به جایی سفر می‌کند، هنگامی که به مقصد رسید باید اولین کارش آب و علف دادن به حیوان باشد. امیر مؤمنان (علی علیه السلام) از رسول خدا (صلوات الله علیه و آله) روایت کرده است که فرمود:  
چهارپا شش حق بر صاحبش دارد. بلافاصله پس از آنکه پیاده شد، به او علف بدهد. هرگاه از کنار آب عبور کردند، او را در معرض آب خوردن قرار دهد. به چهره‌اش نزند؛ زیرا او با ستایش پروردگارش تسبیح می‌گوید. بر روی پشت او جز برای جهاد در راه خدا نایستد. بیش از مقدار طاقتش بار بر پشت او نگذارد. بیش از مقدار توانش او را ندواند.

۴۸. بقره: ۱۷۱ و ۱۸: حَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً... خدا بردل و گوششان مهر نهاده و بردیدگانشان پرده‌ای است.

۴۹. الصحيح من سيرة النبي الاعظم، ج ۲، ص ۹۷.

۵۰. همان، ص ۲۷.

۹. باید طویله و محل نگهداری حیوانات را نظافت کرد.

۱۰. آب و چرک بینی او را باید پاک کرد.

۱۱. جلوی اذیت کردن حیوان را گرفت و او را اذیت نکرد. از رسول خدا روایت شده است که محل نگهداری گوسفندان را نظافت کنید و مایعات خارج شده از بینی های آنها را پاک کنید؛ زیرا گوسفندان از چهار پایان بهشتی هستند.

۱۲. باید همه حیوانات را حتی حشرات و حیواناتی که خوردن گوشتشان حرام است، اگر تشنه هستند، سیراب کرد.

۱۳. نباید آنها را حبس و زندانی کرد؛

۱۴. نباید آنها را در [اوضاع و احوالی خاص] بست [که به دلیل محدود شدن] به خاطر گرسنگی و تشنگی بمیرند.

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که زنی به دلیل آنکه گربه ای را بست [و در نتیجه آن گربه نمی توانست به غذا و آب دست یابد] تا آنکه از تشنگی و گرسنگی مرد، به عذاب الهی گرفتار شد. همچنین از رسول خدا (صلوات الله علیه و آله) روایت شده است که ... در آتش جهنم [در شب معراج که بهشت و جهنم را به من نشان دادند] زنی که گربه اش را بسته بود و به او غذا نمی داد و رهایش نمی کرد تا برود از گیاهان زمین بخورد را در آتش جهنم دیدم و صاحب سگی را دیدم که به دلیل سیراب کردن سگش داخل بهشت شده است.

۱۵. بدون هدف و بدون دلیل نباید هیچ جانوری را کشت.

علامه در این موضوع بیشتر توضیح می دهد و می نویسد به خاطر خواهش نفس و بدون غرض شرعی و عقلایی هیچ جانوری نباید کشته شود. «در روایتی از پیامبر خدا نقل شده است کسی که بدون دلیل و از سرخوش گذرانی گنجشکی را بکشد روز قیامت در مقابل خدا ناله می زند آن گنجشک می گوید: پروردگار من این بنده تو مرا بیهوده کشت. نه از من نفعی برد و نه گذاشت بروم و از گیاهان زمین بخورم» و در روایتی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است کثیف ترین گناهان عبارت است از کشتن [بدون مجوز شرعی] چهارپایان، ندادن حق زن و نپرداختن حق کارگر».

در روایت دیگری که بسیار اهمیت دارد و علامه آن را از منابع روایی شیعه و سنی نقل کرده آمده است:

... وقد روی ان امیر المؤمنین علیه السلام فضی فیمن قتل دابة عبثاً أو قطع شجراً دو أفسد زرعاً، أو عدم بیتاً أو عور بنراً أو نهراً، أن یغرم قیمة ما استهلک و أفسر و یضرب جلدات نکالاً. و ان دخطا ولم یتعمد ذالک، فعليه ما نقص من ثمنها؛<sup>۵۱</sup>

روایت شده است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره کیفر گروهی از جرم ها این گونه قضاوت می کرد: کسی که بیهوده جنبنده ای را بکشد، یا درختی را قطع کند، یا مزرعه ای را از بین ببرد، یا خانه ای را نابود کند، یا چاه و نهری را کور کند، علاوه بر پرداخت قیمت آنچه را که از بین برده و فاسد کرده، می باید [طبق تشخیص قاضی] او را با شلاق زدن کیفر کنند و اگر از سرخطا و غیر عمدی یکی از کارهای یاد شده را مرتکب شده، تنها باید از او غرامت بگیرند و دیگر حبس و تعزیر از او برداشته می شود. و اگر کسی به چهارپایی آسیب برساند، باید به اندازه ای که از قیمت او کم شده است (تفاوت قیمت حیوان سالم و آسیب دیده را) به عنوان غرامت بپردازد.

دولت امیرالمؤمنین، دولت عدالت، پیشرفت و الگوبرای حکومت هاست. آن حضرت عدالت و توسعه را در

حوزه‌های حیوانات، گیاهان، کشاورزی و آب‌ها نیز جاری می‌کرد. برطبق گروهی از روایات و آیات قرآن قطع درختان، نابودی کشاورزی و آلوده کردن و از بین بردن آب‌ها فساد فی الارض است که کیفی بسیار دردناک دارد.

و از نشانه‌های حکومت شایسته احیا، سرسبزی و توسعه کشاورزی و در نتیجه امنیت غذایی است و در نقطه مقابل از نشانه‌های حکومت فاسد آن است که سرسبز و خرمی از صحنه کشوری رخت بر بسته و کشاورزی از رونق بیفتد. خدای متعال می‌فرماید:

وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَيْسَ الْيُوهَادُ<sup>۵۲</sup>

و چون به قدرت دست یابد یا چون پشت کند و از نزد توباز گردد، می‌کوشد تا در زمین فساد کند و کشت و کشاورزی و نسل (دام و نژاد) را نابود کند و خدا فساد را دوست نمی‌دارد و هنگامی که به آنان گفته می‌شود تقوا پیشه کرده و از خدا بترسید، خود بزرگ بینی او را به گناه وامی‌دارد. جهنم او را بس است و بد جایگاهی است.

درباره جمله اول آیه: «و اذ تولى» دو احتمال است. اول آنکه چون به قدرت دست یابد و از نظر نگارنده همین احتمال مطابق ظهور آیه است یا ظهور بیشتری دارد. بر طبق این تفسیر از نشانه‌های حکومت صالح آن است که کشاورزی در آن رونق یافته، سبزی و خرمی بر زمین سایه افکنده و نسل و نژاد حیوانات و انسان‌ها محفوظ و باقی می‌ماند. این در واقع مفهوم آیه است، اما بر طبق دلالت مطابقی و منطوق آیه نشانه حکومت فاسد آن است که کشاورزی را نابود می‌کند و با از بین بردن گیاهان سبزی و خرمی زمین که غذای حیوانات است را از بین می‌برد و با نابود شدن گیاهان و خمودی و رکود و نابودی کشاورزی، امنیت غذایی انسان‌ها نیز در خطر می‌افتد و نسل آنها نیز در معرض تهدید و نابودی قرار می‌گیرد.<sup>۵۳</sup> نیز بر اساس ظاهر آیه یکی از انواع فساد فی الارض، نابودی کشاورزی و سرسبزی زمین است که بر پایه تفسیر علامه طباطبایی و واقعیت علم و زندگی نابودی نسل حیوان و انسان را به دنبال می‌آورد.<sup>۵۴</sup> این نکته نشان‌دهنده اهمیت کشاورزی و سرسبزی زمین است.

همچنین بر اساس این آیه، آن دسته از حاکمان که در سمت و سوی تخریب کشاورزی و نابودی مثل حیوانات حرکت کنند، نه تنها مشروع نیستند، از آن رو که مفسدند و خدا فساد را دوست نمی‌دارد، مبعوض خدایند و باید مجازات شوند؛ از نوع مجازات «مفسد فی الارض». پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

عقل حکم می‌کند که مؤمنان هوشیار باشند و نگذارند چنین حاکمانی به قدرت دست یابند و اگر دست یافتند، بر طبق آیات و روایات که دفاع از منابع طبیعی، محیط زیست و نسل گیاهان، جانوران، آبزیان و آدمیان واجب است، باید حکومت آنان را سرنگون کنند.

یکی از جلوه‌های مغفول و بسیار مهم حکومت امیرالمؤمنین که جاودان خواهد ماند و در آینده به یقین توجه خاصی به آن خواهد شد، راهبرد و سیاست‌های حکومت آن حضرت درباره کشاورزی منابع طبیعی و محیط زیست است. برای توضیح بیشترین موضوع که ضروری می‌نماید، نخست به اجمال به شیوه برخورد آن حضرت با طبیعت می‌پردازیم. می‌خواهیم به این ابرمرد تاریخ از زاویه‌ای دیگر بنگریم؛ به دیدگاه او و سیره‌اش درباره طراوت و دل‌انگیزی گل‌ها، چهچه گوش نواز بلبل‌ها، نقش و نگار پروبال طاووس که در خطبه‌ای جاودان او را توصیف کرد، آینده بینی مورچگان و تن کوچک و پراز رمز و رازشان که آنها را نیز به گونه‌ای شگفت توضیح داده، شگفتی

۵۲. سوره بقره، آیه ۲۰۴-۲۰۵.

۵۳. رک به: المیزان، ج ۲، ص ۹۸؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۴؛ تفسیر فخر رازی، ج ۳، ص ۲۱۹؛ نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۱۴؛ تفسیر راهنما، ج ۲، ص ۳۵-۳۹.

۵۴. المیزان، ج ۲، ص ۹۸.

شنوایی ملخ‌ها که سیدرضی در نهج البلاغه آن را گزارش کرده، صلابت کوه‌ها، آرامش معنادار دریاها، زلالی و گوارایی آب‌ها، آواز گوش‌نواز پرندگان که در این باره نیز بیاناتی عجیب دارد، شگفتی‌های دنیای ماهیان و آبزیان و اموری از این دست را که چگونه به تفسیر می‌نشست و چه سان با حیوانات مهربانی می‌ورزید، با چه شور، شعور، اخلاص و اهدافی بیل می‌زد و نهال در زمین می‌کاشت، بذرها را می‌پاشید، آبیاری می‌کرد، چاه می‌کند و طبیعت را خرم می‌کرد. مگر نه آنکه، به ویژه در ینبع، ده‌ها چشمه آب گوارا و حیات‌آفرین احداث کرد و کشتزاران پرحاصل، باغ‌های پرثمر و نخلستان‌های بی‌نظیری را که چشم‌انداز بلندای نخل‌هایشان ناظران را غرق در شادی، نشاط و طراوت می‌کرد برپا داشت؟!

در میان بیابان پهناور و سوخته و صحراهای تفتیده و خشکیده اطراف مدینه، باغ‌ها، نخلستان‌ها، کشتزاران، چاه‌ها، چشمه‌ها و نهرهای علی (علیه السلام) به بهشتی می‌ماند که در میان جهنم پدید آمده بود؛ بهشتی که شاخه‌ها، برگ‌ها، سبزه‌ها، گل‌ها، بوته‌ها، شکوفه‌ها و میوه‌هایش چنان لبریز از زیبایی، لطافت و طراوت بود که گویی ازلی و ابدی بوده‌اند. آن حضرت (علیه السلام) به خوبی به ما آموخت که در مواجهه با منابع طبیعی و محیط زیست چگونه بیندیشیم و عمل کنیم.

او درباره حیواناتی چون مورچه، زنبور عسل، طاووس، خفاش، ملخ، اسب، شتر، پرندگان و آبزیان آموزه‌هایی بدیع، سازنده و جاودانی به ما آموخت که عمل به آنها از سویی سلامت، توسعه طبیعت و محیط زیست را به دنبال دارد و از طرفی سعادت دنیا و آخرت ما را تضمین می‌کند. علی (علیه السلام) آنها را می‌آفرید و آیت هستی، دانش و قدرت خدا می‌دانست و از این رو به آنها نگاه ابزاری نمی‌کرد. چنان‌که کشاورزی، درختکاری، سرسبزی و خرمی زمین و آبادانی زمین‌های موات را از وظایف اصلی مسلمانان، به ویژه حاکمان می‌دانست و همواره بر عمران این کره خاکی تأکید می‌ورزید.

آن حضرت پیروانش را از بریدن درختان نهی می‌کرد و بر این باور بود که فضای سبز و محیط زیست پراز گل و گیاه، نه تنها جسم آدمیان را می‌سازد، بلکه بر جان و روحشان نیز آثاری شگرف می‌گذارد و به طور فشرده دین و دنیای آدمی و معیشت و معنویت او را تأمین می‌کند و در یک کلام، علی (علیه السلام) الگوی سازندگی جسم و جان و محیط زیست آدمیان بود و سبک زندگی و برنامه‌های دینی و دنیوی اش سازنده‌ترین نقشه راه را برای عمران کره زمین، تنها کره مسکونی، فراوری آدمیان می‌نهاد.

۱۶. نباید حیوانی زنده‌ای را هدف تیراندازی قرار داد.

امام علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) نقل کرده است:

رسول خدا (صلوات الله علیه و آله) از کنار گروهی عبور کرد که به سوی مرغ زنده‌ای تیراندازی می‌کردند. حضرت فرمود: اینان کیستند؟ لعنت خدا بر آنان باد!

۱۷. شب زمان و بستر آرامش پرندگان است. به هیچ وجه نباید سراغ آنها رفت.

۱۸. نباید جوجه‌های پرندگان تا زمانی که بال و پر درنیآورده‌اند و توان پرواز ندارند از لانه‌هایشان گرفت. این مصداق شکار نیست؛ زیرا این جوجه‌ها تا زمانی که بال و پر درنیآورده‌اند، در ذمه و ضمانت خدای متعال قرار دارند.

۱۹. نباید چهارپایان را هدف تیراندازی قرار داد، این گونه که آنها را بست و آن قدر تیر به آنها زد تا بمیرند.

۲۰. نباید حیوانات را مُثله کرد، یعنی گوش‌ها و بینی آنها را برید. از پیامبر خدا (صلوات الله علیه و آله) نقل شده است که لعنت خدا بر کسی که حیوانی را مُثله کند.

۲۱. اگر در خاک مملکت دشمن، چهارپای انسان (اسب یا شتر) از رفتن بازایستد و قادر به حرکت نباشد نباید او را پی کرد، بلکه باید او را ذبح کرد. در آن روزگار وقتی مسلمانان در سرزمین دشمن می جنگیدند، چون اسب آنان از حرکت بازمی ایستاد، در اختیار دشمن قرار می گرفت و به نفع او بود. از این رو اسب را پی می کردند. جعفر طیار (علیه السلام) در جنگ موته به همین دلیل اسبش را پی کرد.<sup>۵۵</sup>

۲۲. شکار پرندگان در لانه هایشان ممنوع است، چون لانه مکان امن و محل آرامش آنهاست و تنها وقتی شکار جایز است که از لانه پرواز کرده و به جای دیگری رفته باشد.

۲۳. نباید پرهای حیوان زنده را کند.

علامه در این باره روایتی از منابع شیعه و سنی نقل کرده است که بسیار تکان دهنده است. امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

پیرمرد عابد و عارفی از بنی اسرائیل خدا را عبادت می کرد. او در حال عبادت و نماز دو کودک را دید که پرهای خروس زنده ای را می کنند. بی آنکه آنان را نهی کند به عبادتش ادامه داد. خدای متعال به زمین دستور داد بر او غضب کند. زمین بر او غضب کرد و او را در خود فرو برد و او همواره و برای همیشه در حال فرورفتن به طبقات جهنم است.<sup>۵۶</sup>

۲۴. نباید حیوان را سوزاند.

۲۵. کسی که حیوان را می دوشد باید ناخن های خود را بردارد تا پستان حیوان با ناخن هایش آزرده نشود.

۲۶. برای بردن حیوان نباید گوشش را گرفت، بلکه باید گردنش را گرفت و او را با خود برد.

۲۷. وقتی به عنوان زکات یا مالیات شتری به مأموران زکات داده می شود، نباید طوری عمل کرد که میان حیوان و فرزندش جدایی بیفتد.

۲۸. نباید آن قدر شیر حیوان را دوشید تا چیزی از آن برای فرزند شیرخوارش باقی نماند.

۲۹. اگر کسی چند حیوان دارد و با آنها مسافرت می کند، نباید سوار یکی از آنها شود، بلکه باید سواری را میان آنها را [عادلان] تقسیم کند.

۳۰. وقتی حیوان خسته می شود باید اجازه داد استراحت کند و در این باره نیز به او مهربانی ورزید.

۳۱. باید حال شتری را که کف پایش سوراخ، زخم یا پاره شده است، مراعات کرد.

۳۲. باید حال شتری را که پایش خمیده، کج یا لنگ شده است، مراعات کرد.

۳۳. نباید چارپا را ترساند و رم داد.

۳۴. نباید چارپا را به رنج و مشقت انداخت.

۳۵. نباید با خشونت و از سر ظلم حیوان را به سمتی کشاند.

۳۶. سواری گرفتن از حیوان نباید به اندازه و به گونه ای باشد که به سختی و رنج بیفتد.

۵۵. رک به: بحار الانوار، ج ۶۱، ص ۲۲۲-۲۲۳.

۵۶. برای توضیح بیشتر معنای حدیث رک به: بحار الانوار، ج ۶۱، ص ۲۲۳.

۳۷. هنگام عبور از کنار آب باید او را در معرض آب نوشیدن قرار داد.

۳۸. نباید مسیر حرکت حیوان را از مکان‌های پر علف به جاده‌ها و راه‌های بی‌علف تغییر داد:  
أن لا يعدل بها عن مواضع النبات الى جواد الطرق فأنجادة الطرق لا نبات فيها.

۳۹. باید در فاصله میان ساعت‌های حرکت، وقتی را به استراحت حیوانات اختصاص داد.  
أن يروحها في الساعات.

دقت در منابع دو مورد ۳۸ و ۳۹ نشان می‌دهد که مقصود امام (علیه السلام) و فقهای بی‌حدیث را نقل و برطبق آن فتوا داده‌اند، چیز دیگری است. مقصود آن است که نباید در ساعتی که حیوان استراحت می‌کند، مکان او را تغییر دهند. متن روایت این گونه است:

ولا يعدل بهنّ عن نبت الأرض الى جواد الطرق في الساعات التي تريح وتعنق؛<sup>۵۷</sup>

و نباید حیوان را از زمین دارای گیاه به راه‌ها و جاده‌های [بی‌گیاه] بکشاند در ساعتی که استراحت می‌کند یا در ساعتی که در آخر روز آب می‌آشامد.

ترجمه یادشده در گروآن است که آخرین جمله حدیث را «تُعَبَّقُ» بخوانیم که از ماده «عَبَّقَ» و به معنای نوشیدن آب در آخر روز است<sup>۵۸</sup> و مشهور فقها و محدثان این گونه قرائت کرده‌اند، اما ابن ادریس (رحمة الله علیه) این قرائت را خطای فاحش دانسته و نوشته است:

شیخ مفید به سندش (سند معتبر) از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است که امیرمؤمنان درباره آداب برخورد با حیواناتی که به عنوان زکات گرفته شده‌اند، چنین فرمود: «ولا يعدل بهنّ نبت الأرض الى جواد الطرق في الساعات التي تريح وتعنق، وأرفق بهنّ جهدك»... برخی به جای «تعنق»، «تعبق» از ماده «عَبَّقَ» که به معنای نوشیدن آب در شامگاهان است، خوانده‌اند و این تحریف و غلط فاحش و خطای زشتی است، بلکه از «عنق» است به معنای نوعی از رفتن سریع شتر... و معنای سخن حضرت آن است که نه در ساعت‌هایی که حیوان استراحت می‌کند و نه در ساعت‌هایی که در مشقت است (وتند می‌رود) [حیوان را از مسیر پر علف به جاده بی‌علف نبرید] و برای همین است که حضرت «تريح» فرموده است که از معنای «الراحة» [و به معنای استراحت است] و اگر از ماده «روح» [و به معنای رفتن بود] حضرت می‌فرمود: «تروح» و نمی‌فرمود: «تريح...»<sup>۵۹</sup>

شارحان حدیث یادشده در منابع فقهی و حدیثی توضیح ابن ادریس را آورده‌اند.<sup>۶۰</sup>

چه عبارت یادشده «تعبق» خوانده شود که مشهور این گونه خوانده‌اند و چه «تعنق» که ابن ادریس این گونه قرائتش کرده است، معنایش آن است که در ساعت استراحت و در ساعتی که تند می‌رود یا آب شبنگاهی می‌نوشد، مسیر او را از زمین پر علف به جاده بی‌علف تغییر مده.

اما استاد جعفر مرتضی عبارت یادشده را جور دیگر معنا کرده است. بدین‌سان که آن را به دو عبارت مستقل تفکیک کرده که دو معنا دارد و درباره دو موضوع است: ۱. عدم جواز تغییر مسیر حیوان از زمین پر علف به جاده بی‌علف ۲. لزوم استراحت حیوان در ساعتی از شب و روز.

۵۷. کافی، ج ۳، ص ۵۳۶؛ تهذیب، ج ۴، ص ۲۷۴؛ وسایل، ج ۶، ص ۸۸.  
۵۸. رک به: حاشیه کافی، ج ۳، ص ۶۳۷؛ مدارک الاحکام، ج ۵، ص ۲۱۰؛ منتهی المطلب، ج ۸، ص ۹۲؛ ملا الاخیار، ج ۶، ص ۲۵۷.  
۵۹. السرائر، ج ۱، ص ۴۵۶.  
۶۰. مرآة العقول، ج ۱۶، ص ۶۷-۶۸؛ ملا الاخیار، ج ۶، ص ۵۷؛ الوافی، ج ۱۰، ص ۱۵۶؛ مدارک الاحکام، ج ۵، ص ۲۱۰؛ جواهر الکلام، ج ۱۵، ص ۳۳۴.

این تفسیرایشان اولاً به طور کامل با ظهور کلام امیرالمؤمنین مخالف است. ثانیاً هیچ قرینه و شاهی بر تفسیر ایشان از روایت وجود ندارد. ثالثاً ایشان هیچ دلیلی بر این تفسیر خود نیاورده و هیچ کس جزایشان چنین تفسیری از حدیث ارائه نداده است و دلیل دیگری بر این ادعا غیر از همین حدیث نیاورده است.

۴۰. وقتی حیوان را از گیاه زار و گودال های کوچک آب عبور می دهد به حیوان مهلت دهد تا اگر خواست آب بنوشد یا از گیاه بچرد.

۴۱. وقتی سوار چهارپا شده نباید او را بزند.

۴۲. بر صورت چارپا نزند. نقل شده است که امام سجاد (علیه السلام) ده بار یا بیست بار با شترش به حج رفت و حتی یک بار او را نزد.

۴۳. امام سجاد (علیه السلام) وصیت فرمود حیوانی را که با آن به حج رفته بود، پس از مرگش دفنش کنند تا درندگان او را نخورند [بلکه بدنش استحاله شده و به خاک تبدیل شود]. در ادامه حدیث آمده است که آن حضرت به امام (علیه السلام) وصیت فرمود: فرزندم بیست سفر با این حیوان به حج رفته ام و یک بار او را زنده ام. رسول خدا فرمود: «هر شتری که هفت سال در عرفه قرار گیرد، خدای متعال او را از چهارپایان بهشت قرار می دهد و نسلش را مبارک می کند؛ چون [پس از شهادت امام سجاد] آن شترمرد، امام باقر (علیه السلام) حفره ای کند و او را در آن مدفون کرد.<sup>۶۱</sup>

۴۴. سوار حیوان برهنه نشود، (بلکه بر پوششی که حیوان دارد از قبیل زین و پالان سوار شود).

۴۵. وقتی از حیوان فرود می آید، حق او را ادا کند. (به او استراحت، علوفه و آب بدهد و اگر نیاز دیگری دارد برآورد).

۴۶. تنها در حالی که سالم است بر او سوار شود و اگر مریض است نباید سوار او شود.

۴۷. در راه ها و بازار او را صندلی سخن گفتن خود با دیگران قرار ندهد؛ یعنی در حالی که سوار اوست او را متوقف نکند برای گفتگو. از رسول خدا (صلوات الله علیه و آله) نقل شده است:

اگر حیوان سالم است بر او سوار شوید و او را صندلی خود برای گفتگوی با دیگران در راه ها و جاده ها قرار ندهید؛ زیرا چه بسیار مرکب هایی که از کسی که بر آنها سوار شده است بهترند؛ زیرا بیشتر از او ذکر خدای متعال را می گویند.

از روایتی که پیش تر از امام سجاد (علیه السلام) آوردیم استفاده می شود که حیواناتی چون شتر از مکان ها و زمان های معنویت زانیز استفاده می کنند و از این روایت استفاده می شود که گاه حیوانات به لحاظ معنوی موفق تر از انسان ها هستند.

۴۸. نباید گونه اش و صورتش را داغ کند و علامت بگذارد.

۴۹. باید هنگامی که با او می رود در زمین سرسبز و پر علف او را آرام براند و چون در زمین خشک و بی علف او را براند، با سرعت عمل کند.

۵۰. چارپایان را خصمی نکنند. (بیضه چارپایان را نکشد).

۵۱. نباید حیوانات را تحریک کرد تا به جان هم افتند و با هم بجنگند، به استثنای سگ ها.

۶۱. حقوق الحيوانات فی الاسلام، ص ۴۹.

۵۲. برای چهارپایی که مال دیگران است گمشده و پیدایش کرده، مکان مناسبی فراهم آورد و او را سیراب ساخته و علوفه مناسب به او بدهد.

۵۳. نباید بگذارد حیوان گرسنه بماند. در روایتی عبدالله بن جعفر از رسول خدا نقل کرده است که پیامبر خدا (صلوات الله علیه و آله) به نخلستان یک انصاری آمد و شتری در آن بود. چون چشم شتر به رسول خدا افتاد، اشکش جاری شد. پیامبر (صلوات الله علیه و آله) با دست کشیدن بر کوهانش او را آرام کرد... پیامبر به صاحب شتر گفت: «از خدای نمی ترسی که او را گرسنه نگاه داشته‌ای...»<sup>۶۲</sup>.

۵۴. حیوان بیمار را از حیوان سالم دور کند تا مریضی او به حیوان سالم سرایت نکند.

رسول خدا (صلوات الله علیه و آله) فرمود: «حیوان مریض را بر حیوان سالم وارد نکنید»، اما روایاتی که اجمالاً نشانگر آن است که سرایت بیماری در میان حیوانات نیست، شاید مقصود از آنها این معنا باشد که مال داران نباید در این باره وسواس داشته و نگران باشند و نگرانی آنها نباید به حد وسواس برسد؛ چون بی شک از گروهی از روایات استفاده می شود که شماری از بیماری های دام ها و حیوانات مسری است. محتمل است روایاتی را که می گویند میان حیوانات مرض مسری نیست، بر صورتی حمل کنیم که برخی از بیماری ها را که مسری نیست، گمان می کردند از نوع سرایت کننده است و رسول خدا (صلوات الله علیه و آله) با این روایات مسری نبودن آنها را بیان می کند، نه همه بیماری های دامی را.

۵۵. امام سجاد علیه السلام به این قصد و نیت مزرعه احداث می کرد تا قبره از این مزرعه بخورد.

۵۶. وقتی انسان در صحرا غذا می خورد توصیه شده است آنچه از سفره می افتد و تکه های ریز غذا را جمع نکند تا جنبندگان آنها را بخورند.

۵۷. نباید سه نفر یا بیشتر از آن سوار بر حیوان شوند، چه آنکه وزنشان سنگین است و حیوان اذیت می شود.

۵۸. نباید روی حیوان بخوابد؛ چون خوابیدن روی مرکب زمینه سرعت فراهم آمدن زخم و جراحت در پشت حیوان را پدید می آورد.

۵۹. نباید حیوان را لعن کند و در این صورت خدا او را لعن خواهد کرد.

۶۰. نباید به حیوان فحش دهد و به او ناسزا بگوید.

۶۱. بکوشد تا حیوان یا حیواناتش فریه و چاق شوند.

۶۲. نباید شتری که طفل شیرخوار دارد زده یا کشته شود، مگر آنکه بچه اش را صدقه بدهند یا ذبح کنند.

۶۳. اگر لغزشی از شتر سرزد یا رمید نباید او را بزند؛ چون رمیدنش بی دلیل نیست، گرچه شما دلیل آن را نفهمی.

۶۴. اگر چارپا دچار لغزشی شد نباید هلاکت او را از خدا بخواهد و لعنتش کند.

۶۵. اگر حیوان فرزند دارد نباید همه شیر او را بدوشد، بلکه می باید اندکی از آن را نگه دارد.

۶۶. نباید کاکل اسب، یال و دم او را بزند.

۶۷. نباید مدتی دوشیدن شیر حیوان را به تأخیر اندازد تا مشتری گمان کند او حیوانی دارای شیر زیاد است.

علامه تذکرمی دهد که این موضوع به حقوق حیوان مرتبط نیست و استطراداً او را آورده است.

۶۸. نباید بگذارد حیوانش در حالی که سوار اوست یا سوار آن نیست مزرعه‌ای را لگد کند.

۶۹. بدون دلیل و نیاز، سوار شدن بر چهارپا را طولانی نکند.

۷۰. از حیوان حفاظت کند و بکوشد تا ضایع و تلف نشود.

۷۱. نباید دست و پای حیوان را به هم دیگر ببندد و با این حال او را برای چریدن رها کند. آنچه در روایت در این باره آمده است «شکال» است که پیامبر خدا (صلوات الله علیه و آله) آن را خوش نداشته است؛ اما «شکال» چیست؟ علامه مجلسی می‌نویسد:

مسلم در کتاب معروفش آن را به سفیدی پای اسب تفسیر کرده است و نوشته است که «شکال» آن است که در دست چپ یا راست اسب سفیدی باشد یا هم در دست راست و پای چپش سفیدی باشد و ابوعبیده و بیشتر لغت‌شناسان نوشته‌اند که «شکال» آن است که یکی از دست و پای حیوان سفید نباشد و سه تای دیگرش سفید باشد. و تشبیه کرده‌اند آن را به اسبی که با زنجیر بسته می‌شود، چه اینکه غالباً سه دست و پای او با زنجیر بسته می‌شود و یکی از آنها را آزاد می‌گذارند.<sup>۶۳</sup>

علامه جعفر مرتضی می‌نویسد:

این تفسیر صحیح نیست چه آن‌که بر طبق معنای مجازی «شکال» است و نه معنای حقیقی آن. تفسیر الفاظ به کاررفته در روایات قوانینی دارد و یکی از آنها آن است که بگوییم گوینده معنای حقیقی الفاظ را در نظر داشته مگر در صورتی که قرینه‌ای بر معنای مجازی در کلام او باشد و از آن رو که در اینجا قرینه‌ای نداریم بایست همان معنای حقیقی «شکال» را ملاک قرار دهیم.

۷۲. نباید هنگامی که گوسفندان به چراگاه‌ها می‌روند سوت بزند. شیخ صدوق در *علل الشرایع* روایت کرده است که از امام صادق پرسیدند:

قوم لوط از کجا و چگونه فهمیدند که مردانی به خانه لوط آمده‌اند؟ حضرت فرمود: «همسرش بیرون آمده و سوت می‌زد و آنها می‌فهمیدند». از این رو سوت زدن بد است و برای هدایت گوسفندان نباید سوت زد.

۷۳. نباید زنبور، مورچه، سنگ چشم، چلچله، هدهد و بسیاری از پرندگان دیگر که در روایات آمده است را بکشد.

۷۴. نباید به حیوانات نوشیدنی حرام را از قبیل شراب بنوشاند.

۷۵. نباید روی باری که بردوش حیوان می‌گذارند تکیه کند یا بنشیند. شاید به این دلیل که نشستن بر آن (با توجه به انواع بارها در آن زمان) سبب شود که خار یا خاکی به پشت حیوان برسد و به او آزار رسانده شود.

۷۶. وقتی غذا می‌خورد از همان غذا به حیوانی که به او نگاه می‌کند بدهد.

۷۷. نباید وقتی سوار حیوان می‌شود آواز حرام بخواند. (غنا کند)

۷۸. نباید الاغی را بر اسب اصیل عربی بجهاند تا قاطری از آن دو متولد شود.

به احتمال زیاد این روایت از نوع روایات حکومتی است؛ یعنی اسبان خاصی که مصلحت نبوده در معرض آمیزش

الاغ قرار گیرند.

۷۹. باید از بستن گردن بند [از نوع خرافی و جاهلی] پرهیزد.

سیدرضی (قدس سره) روایتی به این مضمون را دو گونه معنا کرده است. اول آنکه مانند سواران جاهلی در پی خونخواهی و غارت اموال دیگران نباشید. دوم آنکه برگردن اسب‌ها مانند آنان زه کمان یا عمامه نبندید.<sup>۶۴</sup>

۸۰. نباید بگذارند حیوان نر یا حیوان ماده به طور آشکار که مردم ببینند، در اماکن عمومی مثل راه‌ها آمیزش کند.

۸۱. نباید حیوانی را که در حال حرکت است، مانند سنگ و چوب و دیگر جمادات پنداشت و مانند آنها بر او تکیه زد، نشست و برخورد کرد.

۸۲. درباره ذبح حیوان دستوراتی از معصومان (علیهم السلام) رسیده و در احکام فقهی آمده است که از این شماره به بعد درباره آداب ذبح است. باید کاردی که با آن حیوان را ذبح می‌کند مخفی کند، طوری که حیوان آن را نبیند.

۸۳. نباید جلو چشمان ذبیحه کاردش را تیز کند که ذبیحه آن را ببیند و در نتیجه وحشت کرده و اذیت شود.

۸۴. ذبح را با سرعت انجام دهد.

۸۵. سر ذبیحه را هنگام ذبح جدا نکند.

۸۶. پیش از خروج روح از بدن ذبیحه (مردن کامل حیوان) پوست او را نکند.

۸۷. پیش از ذبح او را آب بدهد.

۸۸. بدون دلیل حیوانی را که حامله است ذبح نکند.

۸۹. بدون دلیل حیوان شیرده را ذبح نکند.

۹۰. در هنگام ذبح دست و پای پرندگان را رها کند و نبندد.

۹۱. نباید با زیور و کردن و چرخاندن کارد و قراردادن آن در زیر گلوان را داخل گلو کرده و تا بالا ببرد.

۹۲. نباید در هنگام ذبح دست و پای حیوان را بگیرد، بلکه با گرفتن پشم و موی ذبیحه او را کنترل کند.

۹۳. در هنگام ذبح گاو دست و پایش را ببندد و دمش را رها کند.

۹۴. برای نحرشتر سمش را به زیر کتفش ببندد و پاهایش را رها کند.

۹۵. قبل از مردن حیوان و سرد شدن بدنش گردن او را نشکند.

۹۶. پیش از طلوع فجر ذبح نکند.

۹۷. با زور و خشونت حیوان را برای ذبح کردن نکشاند و نبرد.

۹۸. با پا او را به سمت ذبح نبرد و نکشاند.

۹۹. با مهربانی او را ببرد برای ذبح و بخواباند.

۶۴. رک به: بحار الاثوار، ج ۶۱، ص ۲۱۰.

۱۰۰. از کارد تیز استفاده کند تا حیوان به سرعت ذبح شده و اذیت نشود.
۱۰۱. پیش از خروج روح حیوان (مردن کامل) نخاع او را قطع نکند.
۱۰۲. حیوانی را که تربیت کرده ذبح نکند.
۱۰۳. حیوانی را که برای خود نگهداری کرده و با او بوده، ذبح نکند.
۱۰۴. حیوانی را که مدتی به انسان خدمت کرده ذبح نکند.
۱۰۵. حیوان و پرنده‌ای که به انسان پناهنده شده ذبح نکند.
۱۰۶. نباید او را بزند یا لگدکوب کند تا زودتر روح از بدنش خارج شود (بمیرد).
۱۰۷. ذبیحه را از جایش حرکت ندهد تا روح از بدنش خارج شود (به طور کامل بمیرد).
۱۰۸. به حیوان تجاوز جنسی نکند. در فقه اسلامی کیفیهایی برای تجاوز جنسی به حیوانات قرار داده شده است.
- ۱۰۸ نکته‌ای که درباره مهربانی به حیوانات آوردیم در کتاب حقوق الحيوانات علامه سیدجعفر مرتضی‌عاملی آمده است. در خاتمه این مقاله چند نکته به طور فشرده درباره کتاب مطرح می‌شود:
۱. کتاب یادشده درباره حقوق حیوانات و مهربانی با آنها به حق جامع است و دلیل جامع بودن آن سیطره شگفت‌انگیز علامه بر منابع روایی شیعه و سنی است. بسیار استثنایی است که روایتی از دید چشمان تیزبین ایشان افتاده باشد و همان طور که این سیطره در مولفان دیگر به چشم نمی‌خورد، جامعیت کتاب ایشان نیز در این حوزه بی‌بدیل است.
۲. علامه در این اثر بسیار سودمند منابع متعدد و متنوعی آورده است. او از انواع منابع حدیثی، فقهی، اخلاقی و تفسیری شیعه و سنی استفاده کرده است و نه تنها منابع معتبر و کهن از قبیل کتب اربعه، صحاح سته و مسانید از منابع این اثر است، از جدیدترین تحقیقات از قبیل مستدرک سفینة البحار، مکاتیب الرسول، میزان الحکمة، نهج الحکمة، نهج السعادة و فقه الصادق و منابع جدیدی از این دست نیز استفاده شده است، اما آنچه این اثر را بیش از دیگر اسباب ممتاز کرده و بدان اعتبار می‌بخشد، فراوانی، تعدد و تنوع منابع در یک حدیث است که گاه یک صفحه از کتاب بدان اختصاص می‌یابد.
۳. علامه در واقع فهرست روایات را در این حوزه آورده است و تنها در اندکی از مطالب متن برخی یا گروهی از روایات را نقل کرده است، اما راه را برای کسانی که بخواهند در این باره پژوهش کنند گشوده و با مستندسازی فهرست مطالب به منابع متعدد و متنوع افق‌هایی از پژوهش‌های سودمند و مؤثری را در این حوزه فراروی پژوهشگران نهاد است.
۴. اگرچه در آثار دیگر ایشان مواردی از مهربانی به حیوانات و حقوق آنها نقل شده که در این اثر به چشم نمی‌خورد، با تتبع و دقت بیشتری توان گفت به گونه‌ای در این کتاب بدان‌ها اشاره شده است.
۵. در بعضی از موارد، روایات را تفسیر زمانی و مکانی کرده است؛ مثل روایات مربوط به بیماری‌های مسری دام و در مواردی تفسیرهایی که دیگران از روایت داده‌اند نقد کرده است، مثل تفسیر «شکال». این نکته نیز از امتیازهای علمی مهم این اثر به شمار می‌رود، چه اینکه برخی تفسیرها از روایات در حوزه محیط زیست و طبیعت خطای فاحش دارد و به اینکه گروهی از این روایات از مقام حکومت و منصب ریاست پیامبر و امیرالمؤمنین (علیهما السلام) صادر شده است، نه از مقام پیامبری و مبلغ احکام خداوند نشان توجه نشده است.

۶. عنوان این اثر حقوق الحيوانات فی الاسلام است، ولی مراجعه به متن و دقت در آن نشان می‌دهد که آمیزه‌ای است از مسائل اخلاقی، حقوقی، فقهی و حدیثی. در واقع همان طور که مؤلف خود تذکر داده است، مهربانی با حیوانات بر پایه روایات است که البته در موارد متعددی جنبه حقوقی نیز دارد.

۷. این اثر دسته‌بندی و تنظیم خاصی ندارد و مطالب به صورت شماره‌گذاری پشت سرهم آمده است. به عبارتی دیگر این کتاب دو بخش دارد: بخش اول کلیاتی است درباره حیوانات که مختصر است و بخش دوم که ۱۰۸ نکته درباره مهربانی با حیوانات است. برخی از این شماره‌ها را می‌توان متداخل دانست.

۸. اگر گروهی پژوهشگری یا یک پژوهشگر مسلط، همه آیات، روایات، تفاسیر مهم، مسائل فقهی و اخلاقی مرتبط به حیوان را که علامه سیدجعفر مرتضی در همه آثارش آورده و نیز مطالبی که مبانی آنها آمده، جمع کند و در موارد لازم تحلیل‌های مناسب نیز از مبانی و انظار ایشان بر آنها بیفزاید اثری سودمند و بدیع درباره محیط زیست فراهم خواهد آمد.

۹. در پایان کتاب علامه تأکید می‌ورزد آنچه من در قالب ضابطه، احکام، نصیحت‌های اخلاقی و توصیه‌ها و تحلیل‌ها در این اثر آوردم دیدگاه اسلام را درباره مخلوقات خدا می‌شناساند و روش تعامل انسان با آنها را می‌نمایاند، اما بی‌شک این اثر ناقص است و انشاء الله گروهی گام‌های بلندتری در این افق‌های گشوده بردارند و دیدگاه اسلام را در این باره به گونه‌ای شایسته درباره محیط زیست تبیین کنند.

۱۰. همان طور که علامه نوشته است، به حق آموزه‌های قرآنی، حدیثی، فقهی و اخلاقی شیعه در حوزه محیط زیست، طبیعت و کشاورزی راه نجات، یعنی شیوه تعامل و برخورد با طبیعت و مسیریقای حیات سبز بر روی آدمی را می‌گشاید و این تعالیم در روزگار ما، مایه افتخار اسلام و قابل ارائه به همه سازمان‌ها و مراکز علمی و بین‌المللی است. نگارنده تأکید می‌کند که اثر ایشان (حقوق الحيوانات فی الاسلام) به طور خاص و انظار دیگری که ایشان به مناسبت در لابه‌لای مطالب علمی در دیگر آثارشان نگاشته‌اند به طور عام، قابل ارائه به سازمان‌های و مراکز علمی جهان و مایه افتخار است برای همه عاشقان و شیفتگان تعالیم اهل بیت (علیهم السلام).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

کتابنامه

قرآن

نهج البلاغه

- السید جعفر مرتضی العاملی؛ حقوق حیوانات فی الاسلام؛ بیروت، المرکز الاسلامی للدراسات، الطبعة الثانية، ۱۴۳۲هـ- ۲۰۱۱م.
- \_\_\_\_\_؛ تخطیط المدن فی الاسلام؛ بیروت، المرکز الاسلامی للدراسات، ۱۴۳۰هـ- ۲۰۰۹م.
- سیدعلی حسینی؛ گیاهان و زندگی در اندیشه دینی؛ قم، مؤسسه فرهنگی آیه حیات، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- محمدباقر مجلسی؛ بحار الانوار؛ تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۹۲ق.
- محمد بن یعقوب بن کلینی؛ الکافی؛ بیروت، دار صعب، دار التعارف با تحقیق حواشی علی اکبر غفاری، چاپ سوم، ۱۴۰۱ق.
- طبیعت در سیره علوی؛ به اهتمام سیدعلی حسینی؛ قم، انتشارات خاکیان، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- عمر بن شبه بصری نمیری؛ تاریخ المدینة المنورة؛ قم، دار الفکر، ۱۳۶۸.
- گروه نویسندگان؛ کیمیای سبز؛ تهران، سازمان جنگل ها و مراتع، چاپ اول ۱۳۸۲.
- رحیم میرزایی ملا احمد؛ جنگل های ایران؛ تهران نشر آموزش کشاورزی، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- علی احمدی میانجی؛ مکاتیب الرسول؛ قم، دارالحدیث، چاپ اول ۱۹۹۸م.
- محمدحسن حیدری، سیدعلی حسینی؛ طبیعت در سیره نبوی؛ قم نشر آیه حیات، چاپ اول ۱۳۸۸.
- شیخ محمدعلی انصاری؛ الموسوعة الفقهية المیسرة؛ قم، مجمع الفکر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۵.
- سیدجعفر مرتضی عاملی؛ الصحیح من سیرة الامام علی (علیه السلام) یا المرترضی من سیرة المرترضی؛ قم، ولاء المنتظر، چاپ اول، ۱۴۳۰ق.
- سیدمحمدحسین طباطبایی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ سوم، ۱۳۹۳ش.
- فضل بن حسن طبرسی؛ مجمع البیان؛ تهران، انتشارات کتاب فروشی اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۹۵ق.
- الامام فخر رازی؛ التفسیر الکبیر (تفسیر فخر رازی)؛ قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ق.
- عبد علی بن جمعه عروسی حویزی؛ نور الثقلین؛ قم، افست علمیه قم، بی تا.
- اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققین؛ تفسیر راهنما؛ قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- محمد بن حسن حر عاملی؛ تفصیل وسایل الشیعة الی مقاصد الشریعة؛ بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ چهارم، ۱۳۹۱ق.
- سیدمحمد بن علی موسوی؛ مدارک الاحکام؛ بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- حسن بن یوسف بن علی بن مطهر حلی؛ منتهی المطلب فی تحقیق المذهب؛ مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
- محمدباقر مجلسی؛ ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار؛ قم، مکتبه آیت الله المرعشی، چاپ اول، ۱۴۰۶.
- محمدباقر مجلسی؛ مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول؛ تهران دارالکتب الاسلامیة، چاپ اول، ۱۳۶۴.
- کتاب الوافی؛ اصفهان، مکتبه امیرالمؤمنین علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۶۸ش.
- جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام؛ بیروت دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۹۸۱م.
- محمد بن ادربیس حلی؛ السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی؛ قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ چهارم، ۱۴۱۷ق.
- روح الله الموسوی الخمينی؛ تقریرات فلسفه امام خمینی؛ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
- صدرالدین محمد شیرازی؛ الأسفار، الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة؛ بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۹۸۱.
- محمد بن محمد بن حسن طوسی؛ شرح الاشارات؛ تهران، دفتر نشر کتاب، چاپ دوم، ۱۴۰۲ق.
- سیدجعفر مرتضی؛ الصحیح من سیرة النبی الأعظم؛ بیروت، دار الهادی، دار السیرة، چاپ چهارم، ۱۹۹۵م- ۱۴۱۵ق.